

مصاحبه «ایران» با «نیما اکبرخانی» که رمان «عزرائیل» او در جایزه جلال برگزیده شد

هالیوودی؟ امنیتی‌های رمانم واقعی هستند

مصطفی رونوق کیا روزنامه‌نگار

نیما اکبرخانی نویسنده جوان و جسوری است. در اولین کارش «اثریا» طوری متفاوت عمل کرد که همگان به قدرت داستان نویسی اش اذعان کردند؛ اثری متفاوت در حوزه دفاع مقدس و شهیدای مدافع حرم. اودر کتاب «عزرائیل» سراغ یک داستان امنیتی- معمایبی رفت که در چند جلد نوشته شده است. به بهانه برگزیده شدن کتاب در جایزه جلال و ایام نمایشگاه کتاب بی وی گفت‌وگو کردیم. از نیما اکبرخانی رمان‌های «اثریا»، «عزرائیل- کهنه سریاز»، «عزرائیل- روزهای تاریک» و «زلزله ده ریشتی» در نمایشگاه کتاب عرضه شده است.

چرا برای کارهای اول و دوم خود «اثریا» و «عزرائیل» را که زمینه و بن مایه امنیتی و جنگی دارد انتخاب کردید؟

چند نکته وجود دارد؛ ابتدا اینکه من مخاطب ادبیات این نوع از ژانر بودم البته بیشتر نوع خارجی آن را پیگیری می‌کردم. من در این ماجرا احساس خلأ روایت کردم چون ما کشوری هستیم که در واقعیت درگیر جنگ هستیم و اشتباه است که آن را روایت نکنیم و اگر روایت خودمان را نویسیم ما را روایت می‌کنند. در اینجا مهم است که چه کسی اول روایت می‌کند. البته من «اثریا» را سال ۹۶ نوشتم و ۹۹ چاپ شد.

شما در «اثریا» ملاحظات و چهارچوب‌های رایج ادبیات دفاع مقدس را کنار گذاشتید.

چرا این کار را کردید؟

من براساس واقعیت داستان خلق کردم چون آدم‌های واقعی به همین شکل هستند من مصداق‌های واقعی آن را به چشم دیدم. شخصیت اصلی کتاب در «اثریا» در فصل اول اذعان می‌کند شهادت سعادت است اما من الان موقعیتی را ندارم این آدمی است که با مقوله مرگ و شهادت درگیر بوده است. مثلاً می‌گوید مرگ در شب عید نوروز خوب نیست چرا که یک سری نمادسازی می‌شود مثلاً مادری می‌گوید که داشتم سبزه سبز می‌کردم خبر شهادتش را آوردند.

به همین دلیل می‌گویم این مسأله در چهارچوب کلیشه‌های ما نمی‌آید همیشه شهدا را به شکل و فضایی نشان دهند که شهادت را دوست داشتند؟

فکر می‌کنم این کار اشتباه است و برای همین من راه دیگری رفتم. اگر بتوانیم کاراکترهایی را خلق کنیم که مخاطب بتواند با آنها همذات‌پنداری کند بسیار بهتر است افراد واقعی هم به همین شکل هستند خسته و عصبی می‌شوند.

لحن متفاوت و فضایی که ایجاد کردید چه بازخوردهایی داشت؟

دقیقاً دو دسته بودند یک عده مدام تعریف می‌کردند و عده‌ای دیگر مدام لعنت می‌کردند که مدافعان حرم کجا این شکل بودند و به زمندگان خیانت کرده‌ای.

به رزمندگان مدافعان حرم کتاب را دادید تا بخوانند و نظر بدهند؟

بله، در اینستاگرام نظرات آنها زیاد است. یکی از دوستان من گفت «اثریا جنگ سوریه را به شکل دیگری روایت می‌کند و آن شکل واقعی است. آن افرادی هم که ناراحت شدند مقصر نیستند و سوءنیت ندارند چرا که ما باید آن شکل غلطی را که ساختارهایم برایشان اصلاح کنیم.

در حقیقت دوست ندارند شهدای مدافع حرم را به این شکل ببینند؟

بله، عادت کرده‌اند که قدیس ببینند. من فکر می‌کنم خیلی مقدس کردن این افراد این برداشت را ایجاد می‌کند که افراد بگویند من نمی‌توانم «همت» شوم، من نمی‌توانم شهید باشم در صورتی که این افراد یک کاراکتر واقعی بوده و معصوم نبوده‌اند که از بدو تولد فرق داشته باشند. تنها براساس تصمیمات و انتخابات صحیح آن فرد شهید شده است و من یک آدم دیگر شدم.

درباره رمان «عزرائیل» توضیح دهید؟

این رمان برخلاف اثریا- که یک رمان در ژانر جنگ است- با تم امنیتی-تاریخی است و سعی شده واقع‌گرایانه براساس مطالعه بسیار دقیق نوشته شود. جز به جزه اتفاقات این کتاب واقعی است در عین حال کاراکترها واقعه و مشخصات داستان‌های مستأما اطلاعاتی است. خوب این مدل نوشتن سخت نویسی است و من اسم آن را امنیتی سخت می‌گذارم. نویسنده‌ای که در ایران به سراغ این سبک از نوشتن نمی‌روند؟

بله، سعی کردم به سراغ ژانری بروم که جدید باشد و کسی دیگر را ندیدم به این سمت رفته باشد.

من فکر می‌کنم فارغ از اینکه نویسنده ممکن است بخواید خودش را در این فضاها راحت کند آن موضوعی که شما در کتاب آوردید شاید خیلی از نویسندگان جرأت این سبک را نداشته باشند.

یعنی من شجاعت خاصی به خرج دادم؟ شما پای یکی از مهمترین نیروهای نظامی کشور را به کتابتان باز کردید و آجتان شقیه‌وار هم برخورد نکردید. خوب این یک ریسک بود که انجام دادید. چرا به سراغ سپاه قدس رفتید؟

فکر می‌کنم مسأله روز است ما الان درگیر جنگیم و باید در این باره با همان‌هایی که در حال جنگ هستند نویسیم. نیروی قدس الان در حال جنگ است نه نیروی هوایی یا نیروی دریایی. البته درباره ارگان نیروهای نظامی و اطلاعاتی در کتاب محتوا هست. پس اگر بخواهی واقع‌گرایانه داشته باشی



و داستان را کشف می‌کنیم، این بسیار جالب بود. اما به نظر نامدل داستان کمی هالیوودی نیست؟ شخصیت علیرزاه ناجی کتاب منظورم است.

نه. شخصیت علیرزاه برگرفته از ۳۰ تا ۴۰ نفرم است. اطلاعاتی بود که من از نزدیک آنها را می‌شناسم و آنها بسیار شگفت‌انگیزتر از شخصیتی بودند که من تصویر کردم. این ضعف ما در روایت است که علی علیرزاه هالیوودی به نظر می‌آید. اینها کارهای بسیار بزرگی کرده‌اند ولی اعتماد به نفس ما پایین است. یک درم هم این است که کارهایی که سال ۷۲ انجام دادیم هنوز طبقه‌بندی‌های فوق سری دارد و نمی‌توان راجع به آنها صحبت کرد. ما افرادی را داریم که در واقعیت هالیوودی‌تر از علیرزاه هستند ولی به دلایلی که من نمی‌فهمم این افراد حتی بعد از پایان دوران کار هم به سکوت ادامه می‌دهند.

چرا ما در همه تعداد زندگی ما دچار ملاحظاتی هستیم؟

به نظرم رسانه‌های ما هنوز متوجه جنگ روایت نشده‌اند. این حتی در نهادهای سیاسی امنیتی و حتی فرهنگی ما دیده می‌شود.

ما دارم فکر می‌کنم ما در بحث سوریه چرا باید هنوز جواب بدهیم که چه اتفاقی افتاده است. امارات، یمن را اشغال کرده ولی در عین حال از فتوحاتش در آنجا فیلم می‌سازد.

دقیقاً همین طور است. ما درباره سوریه در کل فقط به وقت جنگ «آزادیم» تازه‌ان هم بعد هفت سال جنگ ساخته شد. بعدش هم باز چیزی ساخته نشد.

از شخصیت علیرزاه می‌گفتید. مقداری سرخود و انفرادی نیست؟

اصلاً هالیوودی نیست. آن توصیفاتی که رضا از مأموریت برای علیرزاه داشته است، می‌گوید محرکه اصلی کارش این است که مغز مختل می‌شود و نمی‌توانی تشخیص دهی چه می‌کنی.

به همین دلیل است که می‌گویم ما کاری نداشته‌ایم که نشان دهیم مأمور اطلاعاتی‌مان دچار شکست می‌شود.

بله آن کارها تحیل‌گرایانه است در صورتی که کار من واقعی است.

جالب است که درباره مأموران وزارت اطلاعات مطلب داشتیم ولی کسی درباره سپاه نوشته بود.

من این کار را نوشتم اما تا به حال از طرف سپاه بازخوردی نداشته‌ام. من قرار نیست از

صباح کنیم به نظرتان دچار رخوت نشده‌ایم؟

دلایلش این است که پول در این کار نیست و اگر باشد هم عايشه سالاری وجود ندارد. واقعیت این است که ما درگیر جنگ فرهنگی هستیم. از رهبر کشور می‌گویند تا پایین‌ترین مسئول آن را تکرار می‌کند. طرف مقابل ما از نیروی جنگی حرفه‌ای استفاده می‌کند. کسی که تولید محتوا می‌کند جزو افسار پر درآمد است و باید تمرکز کافی به کارش داشته باشد. ما در این جنگ در حال باختیم.

فکر می‌کنی جابه‌جایی دولت‌ها می‌تواند این فضا را عوض کند؟

خیر چرا که قانونگذاری‌های ما مشکل دارد و بسیار قدیمی است. در این چهار پنج سال دنیا در حال تغییر است. فکر می‌کنم افراد با فهم بالا در ماجرای قانونگذاری وارد شوند.

یعنی شما در کارهای بعدی شخصیت‌های این کتاب را تعریف می‌کنید؟

در جلد بعدی مجوز گرفته است و هر کدام از شخصیت‌ها نسبت به فراخور داستان تعریف می‌شوند. جلد اول کتاب به نام کهنه سرباز است که راجع به شخصیت همین علیرزاه است.

من انتظار داشتم رمان هیجان‌انگیزتر باشد



ما افرادی که در واقعیت تر هالیووزده از علیرزاه هستند ولی به دلایلی که من نمی‌فهمم این افراد حتی بعد از پایان دوران کار هم به سکوت ادامه می‌دهند.

دزنگ



علی‌الله سلیمی نویسنده و منتقد ادبیات

رِدپای موضوعات امنیتی در ادبیات داستانی ایران

مسائل امنیتی به لحاظ پیچیدگی‌های موضوعی، که عنصر کشمکش در آثار داستانی را برپرسگی می‌کند، همواره یکی از سوزده‌ها و موضوعات مورد علاقه نویسندگان برای خلق آثار ادبی بویژه در قالب رمان است که مخاطبان بسیاری هم در بازار کتاب دارد.

برخی از نویسندگان با ورود به این حوزه، ژانر رمان‌های امنیتی را برگزیده و آثاری در این زمینه خلق می‌کنند که اغلب نگاه آزاد نویسندگان به موضوعات امنیتی در جامعه محسوب می‌شود. این نوع آثار ادبی معمولاً بر بستری از وقایع و رویدادهای تاریخی قرار دارند که با نگاه و پرداخت داستانی نویسنده پردازش شده و نگارش یافته است. پیام و محتوای اغلب رمان‌های امنیتی معمولاً بر محور آگاه‌سازی خوانندگان از نقشه‌های شوم دشمنان و فدکاری نیروهای امنیتی در جهت خنثی‌سازی نقشه‌های فریبکارانه دشمن استوار است.

این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که امنیت هر کشوری با میزان هوشیاری مردم آن کشور ارتباط تنگاتنگی دارد و به هر میزان هوشیاری شهروندان در مقابل توطئه‌های اطلاعاتی و امنیتی دشمن بالا باشد به همان میزان می‌توان به بی‌اثر بودن تلاش‌های دشمن در این زمینه امیدوار بود. از سوی دیگر، داستان‌های امنیتی همیشه طرفداران خاص خودشان را داشته و دارد؛ آثاری که با هیجان، شهامت و شجاعت شناخته می‌شوند.

در زمینه رمان‌هایی با موضوع امنیت، کارنامه ادبی نویسندگان معاصر ایرانی چندان منسجم و پربار نیست، اما آثار پراکنده‌ای به قلم برخی از نویسندگان در این حوزه دیده می‌شود که هر یک از زاویه‌ای متفاوت به موضوع امنیت خنثی‌سازی فعالیت‌های اطلاعاتی دشمن را برجسته کرده‌اند.

از نویسندگان نام‌آشنا در این بخش، می‌توان به صادق کریمیار اشاره کرد که در یکی از آثارش (رمان مردان نامرئی) درباره یک موضوع امنیتی داستان‌سرایی کرده است. حوادث این رمان در کشورمان، ایران رقم می‌خورد و ماجرا به چندان منسجم و پربار نیست، اما آثار نقش‌آفرینی‌های جاسوسی و ضدجاسوسی در زمان جنگ تحمیلی باز می‌گردد؛ یک طرف قسه، نیروهای حفاظت اطلاعات و شناسایی

در خط مقدم جبهه هستند و در سوی دیگر واحد استخبارات ارتش بعث عراق حضور دارد. خواننده در این اثر داستانی با نحوه مدیریت جنگ و آنچه بر سر گروه‌های اطلاعات عملیات آمده است، آشنا می‌شود. نیما اکبرخانی هم در رمان «عزرائیل» (جلد اول) خواننده را به بطن یک حادثه امنیتی می‌برد.

ماجراهای رخ داده در این رمان خواننده را به لایه‌های عمیق و پنهان جنگ و سیاست برده و تاریخ را از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا امروز ورق می‌زند. برخی از نویسندگان هم به طور اختصاصی آثاری داستانی در حوزه مسائل امنیتی نوشته‌اند؛ از جمله، علیرضا سکاکی در دو رمان «ترور» و «یک و بیست» که در هر دو اثر از منظر داستانی به موضوعات امنیتی پرداخته است. در رمان ترور، موساد شیوه ترور دانشمندان هسته‌ای را تغییر داده و در یک همکاری پنهان با اعضای گروهک تروریستی داعش تصمیم به انجام یک عملیات تروریستی در بزرگترین ایستگاه متروی تهران گرفته است. نیروهای امنیتی با پیگیری سرخ‌خ‌های موجود در پرونده طی عملیاتی پیچیده متوجه می‌شوند که سران این عملیات در تل‌آویو و رقه تصمیم به ترور دانشمند برجسته هسته‌ای گروه زیادی از مردم گرفته‌اند.

عسار و کمیل دو نیروی امنیتی این رمان هستند که ماجراهای داستانی را رقم می‌زنند. رمان یک و بیست هم خواننده را به ساعت «یک و بیست» و دقیقه به وقت بغداد می‌برد

از شهادت سردار دل‌ها حاج قاسم سلیمانی می‌گوید و ماجراهای امنیتی که رقم می‌خورد. همچنین محمد ستاری وفایی در رمان‌های «سربازان»، «شکاف» و «شیخون خفاش»، ماجراهای امنیتی را دستمایه آثار داستانی خود قرار می‌دهد و مخاطب را به فضاهای انتهاب‌آور می‌برد. در کنار سردان نویسنده، تعدادی از زنان داستان نویس هم به حوزه رمان‌های امنیتی ورود کرده و آثاری را در این بخش خلق کرده‌اند. از جمله این نویسندگان می‌توان به نرجس شکوربان‌فرد اشاره کرد که رمان «زنان عنکبوتی» را با موضوع یک پرونده امنیتی که از چند برنامه تلویزیونی ماهواره شروع شده، روایت کرده است. در این اثر، خواننده وقتی ردپای دختران فریب‌خورده قسه را دنبال کند، آن دیگر ساده نیست.

همچنین فائقه‌السادات میرصمدی در رمان «ساز و پله» یک موضوع امنیتی را دستمایه اثر ادبی خود قرار داده و براساس زندگی ادمین کانال داعش در ایران داستان را روایت می‌کند. در آثار نویسندگان دیگری هم می‌توان ردپای مسائل و موضوعات امنیتی را دید، اما کمتر نویسنده‌ای در ایران به شکل حرفه‌ای به این موضوع می‌پردازد.

گسترش دامنه این ژانر پرمخاطب در ادبیات داستانی ایران نیازمند تعامل و همکاری بیشتر بین بخش‌های فرهنگی نهاد‌های امنیتی و نویسندگان علاقه‌مند به فعالیت در این حوزه است تا این ژانر ادبی بیش از پیش توسعه یابد.



در زمینه رمان‌هایی با موضوع امنیت، کارنامه ادبی نویسندگان معاصر ایرانی چندان منسجم و پربار نیست، اما آثار نقش‌آفرینی‌های جاسوسی و ضدجاسوسی در زمان جنگ تحمیلی باز می‌گردد؛ یک طرف قسه، نیروهای حفاظت اطلاعات و شناسایی

در خط مقدم جبهه هستند و در سوی دیگر واحد استخبارات ارتش بعث عراق حضور دارد. خواننده در این اثر داستانی با نحوه مدیریت جنگ و آنچه بر سر گروه‌های اطلاعات عملیات آمده است، آشنا می‌شود. نیما اکبرخانی هم در رمان «عزرائیل» (جلد اول) خواننده را به بطن یک حادثه امنیتی می‌برد.

ماجراهای رخ داده در این رمان خواننده را به لایه‌های عمیق و پنهان جنگ و سیاست برده و تاریخ را از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا امروز ورق می‌زند. برخی از نویسندگان هم به طور اختصاصی آثاری داستانی در حوزه مسائل امنیتی نوشته‌اند؛ از جمله، علیرضا سکاکی در دو رمان «ترور» و «یک و بیست» که در هر دو اثر از منظر داستانی به موضوعات امنیتی پرداخته است. در رمان ترور، موساد شیوه ترور دانشمندان هسته‌ای را تغییر داده و در یک همکاری پنهان با اعضای گروهک تروریستی داعش تصمیم به انجام یک عملیات تروریستی در بزرگترین ایستگاه متروی تهران گرفته است. نیروهای امنیتی با پیگیری سرخ‌خ‌های موجود در پرونده طی عملیاتی پیچیده متوجه می‌شوند که سران این عملیات در تل‌آویو و رقه تصمیم به ترور دانشمند برجسته هسته‌ای گروه زیادی از مردم گرفته‌اند.

عسار و کمیل دو نیروی امنیتی این رمان هستند که ماجراهای داستانی را رقم می‌زنند. رمان یک و بیست هم خواننده را به ساعت «یک و بیست» و دقیقه به وقت بغداد می‌برد

از شهادت سردار دل‌ها حاج قاسم سلیمانی می‌گوید و ماجراهای امنیتی که رقم می‌خورد. همچنین محمد ستاری وفایی در رمان‌های «سربازان»، «شکاف» و «شیخون خفاش»، ماجراهای امنیتی را دستمایه آثار داستانی خود قرار می‌دهد و مخاطب را به فضاهای انتهاب‌آور می‌برد. در کنار سردان نویسنده، تعدادی از زنان داستان نویس هم به حوزه رمان‌های امنیتی ورود کرده و آثاری را در این بخش خلق کرده‌اند. از جمله این نویسندگان می‌توان به نرجس شکوربان‌فرد اشاره کرد که رمان «زنان عنکبوتی» را با موضوع یک پرونده امنیتی که از چند برنامه تلویزیونی ماهواره شروع شده، روایت کرده است. در این اثر، خواننده وقتی ردپای دختران فریب‌خورده قسه را دنبال کند، آن دیگر ساده نیست.

همچنین فائقه‌السادات میرصمدی در رمان «ساز و پله» یک موضوع امنیتی را دستمایه اثر ادبی خود قرار داده و براساس زندگی ادمین کانال داعش در ایران داستان را روایت می‌کند. در آثار نویسندگان دیگری هم می‌توان ردپای مسائل و موضوعات امنیتی را دید، اما کمتر نویسنده‌ای در ایران به شکل حرفه‌ای به این موضوع می‌پردازد.

گسترش دامنه این ژانر پرمخاطب در ادبیات داستانی ایران نیازمند تعامل و همکاری بیشتر بین بخش‌های فرهنگی نهاد‌های امنیتی و نویسندگان علاقه‌مند به فعالیت در این حوزه است تا این ژانر ادبی بیش از پیش توسعه یابد.



در آن قسمتی که شکنجه‌ها را توصیف می‌کنید هیچ احساسی وجود نداشت، به نظر من این دلیل بود که وقتی شکنجه می‌کنند و با پتک روی دست طرف می‌زند هیچ حس ندارد. علیرزاه وقتی آن فرد را نجات می‌دهد به کسی که در انگشتانش سوزن کوز کرده‌اند می‌گوید که مواد شویونده را بیاورد. خوب این عجیب است.

خوب دستکش دستش بوده.

در رمان چنین چیزی نیامده است.

شاید بهتر بود که بیشتر موضوع را باز کنم حق با شماست، البته باید دقت شود که شکنجه فنی نیست و فرد به مرگ نزدیک نمی‌شود. در اینجا شخصیت داستان می‌گوید کاش مرا بکشند چون طوری شکنجه می‌کنند که طرف نمی‌میرد.

بعد از فرار از نیکوزیا اینها تا عراق خیلی راحت می‌آیند. درحالی که کلی اسلحه همراه داشتند.

خوب حساب و کتابش را کرده بودند. وقتی فرد حرفه‌ای بخواهد شما را جابه‌جا کند دیگر مشکلی وجود ندارد.

در بند ام‌القصر هم با آن همه مسائل بسیار راحت خلاص می‌شوند.

چون همین شکل است شما الان به فرودگاه امام بروید و چندین نفر را کتک بزنید اگر وزیر بباید شما را آزاد می‌کنند. هدف قضیه ام‌القصر نشان دادن روابط گذشته علیرزاه است و دوم اینکه ما کاراکتر رضا را نیاز داریم و آلوده شدن این آدم به ویروس ترس را باید نشان دهیم. ما کتاب دوم و سوم می‌دهیم چرا سه جلد را با هم منتشر نکردید؟

اصلاً به این فکر نکردم. به آن فکر کردم که صبر کنیم ببینم از جلد یک خوششان می‌آید یا خیر. استراتژی فروش این بود که ۶ تا ۷ ماه از هر جلد بگذرد و بازخوردها را بگیریم.

درباره فضای فرهنگی کشور اگر بخواهیم



ما درباره سوریه در کل فقط «به وقت شام» را داریم. تازه آن هم بعد هفت سال جنگ ساخته شد. بعدش هم باز چیزی ساخته نشد

چون همین شکل است شما الان به فرودگاه امام بروید و چندین نفر را کتک بزنید اگر وزیر بباید شما را آزاد می‌کنند. هدف قضیه ام‌القصر نشان دادن روابط گذشته علیرزاه است و دوم اینکه ما کاراکتر رضا را نیاز داریم و آلوده شدن این آدم به ویروس ترس را باید نشان دهیم. ما کتاب دوم و سوم می‌دهیم چرا سه جلد را با هم منتشر نکردید؟

اصلاً به این فکر نکردم. به آن فکر کردم که صبر کنیم ببینم از جلد یک خوششان می‌آید یا خیر. استراتژی فروش این بود که ۶ تا ۷ ماه از هر جلد بگذرد و بازخوردها را بگیریم.

درباره فضای فرهنگی کشور اگر بخواهیم